

علم بهتر است

مهدی محدثی

سؤالی

که از دیرباز در بین دانش‌آموزان، آن هم در کلاس انشا مطرح بوده و هست، این است که «علم بهتر است یا ثروت؟» این جمله به ظاهر ساده، از مقطع ابتدایی تا دبیرستان و حتی دانشگاه نیز مورد سؤال است.

به راستی، کدام یک بهتر است؟ علم یا ثروت؟ آیا علم را برای کسب ثروت فرا می‌گیریم؛ و یا ثروت را در راه تحصیل علم هزینه می‌کنیم؟ هر چه سن آدمی بالاتر می‌رود، زاویه دید در مورد این سؤال بازتر می‌شود و افق‌های تازه‌تری به روی انسان گشوده می‌شود. خوب یادم هست که در دوره راهنمایی چنین موضوع انشایی داشتیم. یکی از هم‌کلاسی‌ها طوری مشکلات مادی‌اش را در آن انشا انعکاس داده بود که در پایان انشا اشک در چشم همه حلقه زده بود. و سرانجام هم نتیجه گرفت که ثروت بهتر است.

او نوشته بود: «اگر پول داشتیم، هر روز سیب‌زمینی نمی‌خوردیم، به جای میوه گندیده و ارزان، میوه‌ها و غذاهای سالم می‌خوردیم. اگر پولدار بودیم، با جورابی که پاشنه و پنجه‌اش به اندازه سیب زمینی سوراخ شده بود و با کفشی که در روزهای بارانی پر از آب می‌شد به مدرسه نمی‌آمدم و.. اگر پول داشتیم، مادرم را به بهترین بیمارستان می‌بردیم و معالجه می‌کردیم؛ آن وقت شاهد جان دادن مادرمان نمی‌بودیم...»

با کمی تأمل درمی‌یابیم که زیاد هم بی‌ربط نگفته؛ ولی اگر همه این‌گونه فکر کنند، نتیجه چه خواهد شد؟ آیا ثروت به تنهایی کافی است؟ اگر علمی نمی‌بود تا مانع مرگ مادر او شود، ثروت چه فایده‌ای داشت؟ آیا فقط با پول می‌توانست حیات مادرش را از خطر نجات دهد؟...

حال از نقطه‌ای دیگر به موضوع می‌نگریم: آیا علم نیز، به تنهایی کافی است؟ در این که علم می‌تواند انسان را به ثروت برساند، شکی نیست. ولی از چه راهی؟ علمی که فقط برای کسب ثروت باشد، علمی که بدون تعهد باشد، صدها هزار انسان بی‌گناه را در هیروشیما و ناکازاکی و فلسطین و چین و افغانستان و... به کام مرگ می‌فرستد!...

آن کسی که ثروت دارد، ثروت او علم اوست. یا آن می‌تواند علم را به استخدام خود درآورد و هرگونه استفاده‌ای از آن ببرد. برای مثال، آمریکا را در نظر می‌گیریم. از خون دل توده مردم، ثروتی انبوه به هم زده و با ثروتش، مغزهای متفکر جهان را در اختیار دارد و از ذهن خلاق و فکر آنان استفاده می‌کند. همین امر موجب شده که بعضی از کشورها، آمریکا را کشوری با فن‌آوری بالا بدانند.

و از سوی دیگر، آن که علم دارد، به نوعی ثروتمند است. علم او ثروت اوست. همین قدر که به خاطر علمش، در جوامع بشری مطرح می‌گردد و از دریای فکر و اندیشه‌اش همگان بهره‌مند می‌شوند، ثروتی تمام نشدنی دارد. پدیده فرار مغزها که نه تنها در ایران، بلکه در اکثر کشورهای در حال توسعه مشهود است، مؤید همین مطلب است؛ و نشان دهنده ثروتی ذاتی و بالقوه‌ای است که در صورت مساعد بودن زمینه و عرصه‌ای برای جولان اندیشه، به فعلیت خواهد رسید و برای صاحب مغز و کشورش ثروتی هنگفت به دنبال خواهد داشت. اگر بخواهیم مطالب فوق را جمع‌بندی کنیم و به نتیجه‌ای برسیم باید بگوییم که علم و ثروت مکمل هم می‌باشند. نه آن و نه این، به تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند. ثروتی خوب است که در خدمت علم باشد و علمی خوب است که در

مسیر کمال هدایت شود.



ثروت؟